

میانروی در تشویق و تنبیه

تربیت درست کودکان یکی از دغدغه‌های خانواده‌هاست و از این رو سعی می‌کنند با تشویق باعث تقویت صفات پسندیده و با تنبیه باعث از بین بردن عادات ناپسند در کودکان شوند.



تربیت درست کودکان یکی از دغدغه‌های خانواده‌هاست و از این رو سعی می‌کنند با تشویق باعث تقویت صفات پسندیده و با تنبیه باعث از بین بردن عادات ناپسند در کودکان شوند.

یکی از موضوعات مهم که والدین در این باره باید به آن توجه کنند تطبیق مشوق ها و تنبیه ها در برخورد با کودکان است. دکتر رضا علی کرمی، استاد روان‌شناسی، دکترا، فقه و معارف، حقه، گفت‌وگو با «نامه‌نامه حامی» نظرات خود را بیان کرد.

والدین در مواجهه با خطای کودکان خود چه واکنش مناسبی را می‌توانند نشان دهند؟

بحث تنبیه آخرین مرحله روش‌های تربیتی است که در حقیقت بعد از آن که انواع مختلف روش‌های تربیتی مثل تأیید، تشویق، ارائه طریق، ایجاد ظرفیت و تحریک قوه عقلانی در برخورد با کودک خطاکار تأثیر مناسبی نداشت، در این صورت می‌توان تنبیه را با رعایت شرایطی انجام دهد. این شیوه، از تنبیه خفیف به سنگین می‌رسد. یعنی ابتدا با قهر کردن در حد یکی دو ساعت و اگر این مرحله جواب نداد مرحله بعدی تنبیه شروع می‌شود. مثلاً محروم کردن کودک از چیزی که علاقه مند است. مرحله بعدی همراهی نکردن با کودک است و باز اگر از این شیوه پاسخ مناسبی دریافت نکردیم آن وقت مرحله تنبیه‌های سخت شروع می‌شود. باید دقت داشت تنبیه‌های سخت نیز شرایط خاص خود را دارد و شاید در مرحله آخر به حد خفیف از تنبیه‌های بدنی بینجامد. به عنوان مثال دست کودک را در حدی فشار داد که احساس دردی خفیف به او دست بدهد، اما اثری از آن باقی نماند. چون در اسلام نسبت به این موضوع توجه خاصی شده است. پدر و مادر تحت شرایطی محدود اجازه تنبیه بدنی پیدا می‌کنند. شرع مبین به این موضوع تصریح می‌کند اگر آثار تنبیه روی بدن کودک بماند باید متناسب با نوع کبودی و سرخ شدن دیه پرداخت شود. بنابراین برای تنبیه هم مراحل داریم و هم محدودیت و نمی‌توانیم به صورت عجلانه و بدون اندیشیدن تمهیدات وارد مرحله تنبیه بشویم. در واقع هدف از تنبیه این است که کودک را نسبت به عواقب خطایی که کرده آگاه کنیم و این آخرین مرحله است. برای آگاهی بخشی به کودک در درجه اول باید از سایر مهارت‌ها استفاده کرد تا عواطف کودک تحریک شود و همین تحریک حسی و عاطفی موجبات تغییر رفتارها در کودک را فراهم آورد. این هم علت دارد، چون عواطف کودک به راحتی تحریک می‌شود مهر و محبت به خوبی می‌تواند باعث برانگیختن احساسات او شود و همین مساله زمینه تغییر رفتارها را برای او فراهم می‌کند.

اگر تنبیه متناسب با خطای صورت گرفته از سوی کودک نباشد چه عواقبی در پی خواهد داشت؟

هم خطا و هم تنبیه اندازه و مراتب دارد. اگر خطای کودک ضعیف باشد باید متناسب با آن تنبیه ضعیفی در نظر گرفته شود. ممکن است کودک در پی یک خطای کوچک با یک اخم کردن والدین متوجه بدی کاری که انجام داده است، بشود. از سویی دیگر باید تناسبی بین خطای بزرگ کودک و تنبیهی که والدین برای او در نظر می‌گیرند وجود داشته باشد. اصولاً هدف از تنبیه، بازدارندگی است. یعنی شرایطی را به وجود آوریم که کودک دیگر مرتکب آن خطا نشود. اگر در مقابل خطایی بزرگ به تنبیهی کوچک بسنده کنیم این بازدارندگی حاصل نمی‌شود و روش‌های تربیتی والدین روی کودکان اثر و ثمری نخواهد داشت.

دکتر کرمی:

وقتی یکی از والدین مانعی برای برخورد با کودک خطاکار می‌شود به همان میزان تنبیه نیز بازدارندگی خود را از دست می‌دهد

از سوی دیگر، نحوه اجرایی کردن شیوه‌های تنبیه هم از دیگر نکات قابل تامل در روند تربیتی پدر و مادر است. مثلاً آیا ضرورت دارد کودک مان را در جمع همسالان یا افراد فامیل تنبیه کنیم؟ آیا نسبت به تبعات چنین تصمیمی آگاه هستیم؟ در واقع ما بنا داریم از تنبیه به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار و بازدارندگی استفاده کنیم. اگر تنبیه با آگاهی صورت نگیرد ممکن است خطا استمرار پیدا کند. از سویی دیگر اگر تنبیه متناسب با نوع خطا نباشد، کودک جری می‌شود و نسبت به آن خطا همراهی می‌کند و به عادت غلط خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر نباید در تنبیه آن قدر خش باشد که باعث از بین بردن توانمندی‌ها و استعدادها او شود. آن موقع باید هزینه گزاف را برای بازیابی این استعدادها بپردازیم.

اگر موقع تنبیه کودک هماهنگی لازم میان والدین وجود نداشته باشد و یکی از والدین بر تنبیه اصرار بورزد و دیگر هم نقش واسطه و میانجی را پیدا کند آیا شیوه برخورد با خطا اثر مناسبی روی کودک خواهد داشت؟

بسیاری اتفاق می‌افتد یکی از والدین قصد تنبیه دارد و کودک هم برای رهایی از تنبیه به دامان دیگری پناه می‌برد. این رفتارهای ناهمخوان اثرات منفی در سیر تربیتی فرزند خواهد گذاشت. اولین اثر منفی چنین رویکردی این خواهد بود که کودک دچار نوعی تزلزل و انحراف در تشخیص می‌شود. در چنین شرایطی کودک پیش خود محاسبه می‌کند کدام یک از والدین

پیش او محبوب تر است. از سویی دیگر کودکی که در چنین مواقعی به دامان یکی از والدین پناه می برد در صورت تکرار همان خطا اگر با برخورد سخت او مواجه شد این تعارض به لحاظ منطقی در او ایجاد می شود که بالاخره الگوی او در زندگی کیست و آیا اساسا والدین انسان های قابل اعتمادی هستند.

وقتی یکی از والدین مانعی برای برخورد با کودک خطا کار می شود به همان میزان تنبیه نیز بازدارندگی خود را از دست می دهد؛ بنابراین والدین باید برای تنبیه و تشویق کودک هماهنگ باشند. بالاخره کودک باید بداند محیط خانوادگی به قوانین و چارچوب های تعیین شده احترام بگذارد تا بعدها که وارد اجتماع شد به عنوان یک انسان هنجارپذیر زندگی معقولی را در پیش بگیرد. در سایر محیط های اجتماعی نیز ما با چنین تعارضی روبه رو هستیم. بارها دیده ایم ماموران در برخورد با یک متخلف رویه متفاوتی را در پیش گرفته اند. ممکن است ماموری وظیفه شناس از خطای متخلف به آسانی نگذرد و او را متناسب با خطایی که انجام داده جریمه کند، اما در نقطه مقابل ماموری دیگر از خطاهای صورت گرفته چشم پوشی می کند. چنین برخوردهای سلیقه ای، متخلفان را در نسبت به جرایم جری تر خواهد کرد.

در تشویق کودک چه نکاتی را باید رعایت کرد؟

اولین نکته حائز اهمیت این است بیش از آن که کودک مورد تشویق قرار گیرد باید کارها و رفتارهای خوب او مورد تاکید قرار گیرد. مثلا کمک کردن کودک به والدین در منزل یا کوشا بودن او در انجام تکالیف مدرسه، رعایت نظافت شخصی و داشتن نظم و انضباط در کار از جمله رفتارهای پسندیده ای است که والدین می توانند در چنین مواقعی کار کودک را تأیید کنند. از سویی دیگر باید توجه داشت گاهی تشویق های نابجا و نا به هنگام باعث ایجاد غرور در فرزند می شود و عواقب منفی در پی خواهد داشت.

فتاح غلامی
دین و زندگی